

کالبد شکافی حقوقی اعدام «عاطفه»

لیلی پورزند

شنیدن خبر اعدام دختری 16 (یا 22) ساله در شهرستان نکا، به جرم "اعمال منافی عفت" بار دیگر ضربه ای بر هویت ملی ما وارد کرد. واکنش سازمانها و افراد در خصوص صدور و اجرای این حکم جنبه های حقوقی، فقهی، سیاسی، اجتماعی و حتی بین المللی داشته است. افسوس که با خواندن این خبر، اشک حسرت، بار دیگر چشمانمان را نمناک کرد. احساسات انسان دوستیمان را پایمال نمود و خدشه ای بر غرور ملیمان وارد شد. پس از انتشار این خبر و اتخاذ موضع افراد و گروه ها، خبر به صورت های مختلف نقض و رد شد. در نهایت آنچه مسلم است این است که عاطفه رجبی به جرم اعمال منافی عفت در شهرستان نکا اعدام شده است. درخصوص سن و سلامت روانی او در هنگام صدور حکم قولهای گوناگون وجود دارد. در باب جزییات مستدلی که مبنای صدور و اجرای این حکم واقع شده است، همواره از جانب مسئولین، سکوت اختیار شده است.

اگر از جنبه های احساسی و اجتماعی این واقعه بگذریم و نگاهی به واقعتهای حقوقی این حکم ببندازیم، بیش از پیش درد و تأثر را تجربه میکنیم.

در اینجا، تحلیل ماهوی مجازات اعدام را کنار میگذاریم و فرض میکنیم، در باور همه ی ما، این مجازات در کنار مجازاتهای دیگر سیستم کیفری، از مقبولیتی نسبی برخوردار است. بر مبنای این واقعیت که مجازات اعدام در سیستم کیفری ایران، مجازاتی است به رسمیت شناخته شده (صرف نظر از خوب یا بد بودن آن)، به روشکافی حقوقی در خصوص این حکم میپردازیم.

روزنامه اعتماد در روز 31 مرداد 1383 چنین مینویسد: "در این پرونده عاطفه 22 ساله که مجرد میباشد دارای چندین فقره سابقه کیفری (به حد جلد، و با توجه به اقرار خود متهم برای بار چهارم به انجام زناي محصنه دستگیر گردیده و با توجه به محتویات پرونده و اقرار اربعه، جرم وی، محرز و محکوم به اعدام میشود که جهت حفظ نظم و ارتداع دیگران و صیانت از حقوق اجتماعی اعدام به نحو علنی در نقطه ی مناسبی از شهر نکا اجرا میشود . . ."

اکنون به بررسی نکاتی چند در خصوص این حکم میپردازیم:

1- در مورد اینکه عاطفه رجبی در هنگام صدور حکم 16 یا 22 ساله بوده اقوال مختلفی از این سو و آن سو به گوش میرسد. در ابتدا سخن از 16 ساله بودن محکوم بود. بلافاصله پس از اتخاذ موضع مراجع حقوق بشر، سن او از جانب رسانه ها، 22 ساله اعلام شد. والدین او و اهالی محل به 16 ساله بودن وی اصرار دارند حال آنکه مسئولان مصرانه میکوشند 22 ساله بودن او را به اثبات برسانند.

مطابق تبصره ی ماده 1210 قانون مدنی ایران، سن بلوغ برای پسران 15 سال تمام قمری و برای دختران 9 سال تمام قمری است.

همچنین ماده 49 قانون مجازات اسلامی میگوید: "اطفال در صورت ارتکاب جرم میری از مسئولیت کیفری هستند و . . ." و در تبصره 1 همین ماده آمده است که: "منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد." بر مبنای این دو ماده ی قانونی، چنانچه عاطفه رجبی 16 ساله یا 22 ساله باشد تفاوتی در مورد اجرای حکم ندارد و در هر دو صورت مسئولیت کیفری او در مقابل قانون یکسان بوده است چرا که او از نظر قانون چه در 16 سالگی و چه در 22 سالگی بالغ محسوب میشود است.

ولی چنانچه فرض 16 ساله بودن عاطفه را بپذیریم باید متذکر شویم الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک به معنای پذیرش مواد مندرج در آن بوده است و این کنوانسیون در یکی از مواد خود، اعدام افراد زیر 18 سال را منع کرده است. مطابق گزارش اخیر سازمان عفو بین الملل، لایحه قانونی حداقل سن اعدام 18 سال، سال گذشته در مجلس شورای اسلامی ایران مطرح شد که پس از بحث و گفت و گوی بسیار پیرامون مسائل فقهی و قانونی آن، شورای نگهبان آن را مورد تأیید قرار نداد.

2- بنابه ادعای والدین عاطفه و اهالی محل که عاطفه را میشناختند، او دارای تعادل روانی نبوده است. اگر چنین ادعایی واقعیت داشته باشد، مجرم به طور کلی دارای مسئولیت جزایی نخواهد بود. مطابق ماده 51 قانون مجازات اسلامی: "جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسئولیت کیفری است." احراز جنون مجرم یا متهم برعهده ی دادگاه است.

3- عاطفه، در دوران بازجویی، صدور حکم، تجدیدنظر خواهی و اجرای حکم وکیل نداشته است. در حالی که حتی اگر وی دارای استطاعت مالی جهت پرداخت هزینه های وکیل نبوده است ولی حق تقاضای داشتن وکیل تسخیری، از دادگاه را داشته است. وکیل تسخیری، وکیل است که در ازای ارائه خدمات از موکل خود که بضاعت مالی پرداخت حق الوکاله را ندارد، حق الزحمه ای دریافت نمیکند.

4- در ابتدای این حکم تصریح شده است که عاطفه، مجرد بوده حال آنکه قاضی او را محکوم به "زنای محصنه" که زنای زن شوهردار است، نموده است. "زنا" از دیدگاه قانون مجازات اسلامی عبارت است از رابطه جنسی زن و مردی که با یکدیگر رابطه ی زوجیت ندارند. مجازات رابطه ی نامشروع زن و مرد مجرد از دیدگاه قانون مجازات اسلامی، صد ضربه تازیانه است. ماده ی 88 قانون مجازات اسلامی "حد زنای زن یا مردی که واجد شرایط احسان نباشد صد تازیانه است." حال آنکه مجازات زن یا مرد متاهلی که مرتکب همین جرم شود، سنگسار است. ماده 83 قانون مجازات اسلامی بر این امر تصریح دارد.

تضاد موجود در حکم صادره جهت مجازات عاطفه رجبی، شبیه در صحت ارکان قانونی آن، ایجاد میکند. اینکه ابتدای آن و مجرد اعلام میشود ولی حکم زن شوهردار بر او جاری میشود سئوالی است بزرگ در چگونگی احراز شرایط صدور حکم توسط قاضی. از سوی دیگر چنانچه عاطفه زنی شوهردار بود و مرتکب جرم زنای محصنه شده بود مجازات سنگسار در مورد او باید اجرا میشد و نه اعدام و چنانچه او مرتکب جرم زنا (زن بدون شوهر) شده بود، مجازات او تنها صد ضربه تازیانه بود.

5- اشاره حکم صادره برای عاطفه به ارتکاب او به چند فقره سابقه ی کیفری میتواند گریزی قانونی باشد برای توجیه حکم اعدام وی با توسل به یکی از مواد قانون مجازات اسلامی. ماده 90 قانون مجازات اسلامی میگوید: "هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته میشود." این ماده قانونی اعلام میکند چنانچه زن یا مرد مجردی چهار بار مرتکب جرم زنا شود و در سه بار نخست مجازات صد ضربه تازیانه را تحمل کند در مرتبه چهارم به مرگ محکوم خواهد شد. ظاهراً در حکم اعدام عاطفه رجبی، صراحتی به این که او برای بار چهارم به جرم زنا به مجازات میرسد به چشم نمیخورد. در حکم صحبت از چند فقره سابقه ی کیفری است. سابقه ی کیفری طیفی وسیع از جرایم را دربرمیگیرد حال آنکه ماده 90 مشخصاً سابقه ی کیفری زنا را مدنظر قرار داده است نه هر نوع سابقه کیفری دیگری را.

از جانب دیگر، چنانچه قاضی این ماده قانونی را ملاک صدور حکم خود قرار داده است، موظف به شرح سه مورد قبلی با جزئیات بوده است و لفظ چند فقره سابقه ی کیفری، اصطلاحی جامع و کامل جهت استناد برای صدور حکم اعدام توسط قاضی نیست.

لازم به ذکر است صرف دستگیری در صورت ارتکاب جرم زنا ملاکی برای صدور این حکم با توسل به ماده 90 نمیباشد. اجرای حکم تازیانه است که میتواند مورد استناد قرار بگیرد.

6- در حکم اشاره ای به اقرار متهم به زنا و شهادت دیگران علیه متهم در تأیید ارتکاب وی به عمل زنا، شده است.

در این خصوص باید به این نکته بسیار مهم و قانونی توجه داشت که اقرار متهم علیه خود و شهادت افراد ثالث علیه متهم در قانون مجازات اسلامی شرایط ویژه ای دارد که احراز آن به راحتی امکان پذیر نیست. بخصوص در مورد اثبات زنا از طریق اقرار و شهادت، قانون مجازات اسلامی، سخت گیری های ویژه ای نموده است.

اقرار عاطفه رجبی علیه خود، سند محکمی برای صدور حکم علیه او نمیتواند باشد چرا که هیچ گونه نظارتی از جانب وکیل و یا مراجع نظارتی قانونی در جریان بازپرسی و صدور حکم وی وجود نداشته است. به تصریح ماده 69 قانون مجازات اسلامی: "قرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ، عقل، اختیار و قصد باشد." حال آن که در مورد عاطفه رجبی کلیه این خصوصیات مورد شك و شبهه است. همچنین قانون مجازات اسلامی در ماده 77 خود در خصوص صحت شهادت شهود در مورد زنا اعلام نموده: "شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسی معتبر نیست." بنابر این، صرف حدس و گمان افراد ثالث برای ارتکاب زنا توسط متهم، نمیتوان حکم صادر کرد.

7- هفته نامه ماهان در تاریخ 27 مرداد 1383 نوشته است، عاطفه رجبی صریحاً اقرار به دایر کردن خانه فساد و کشاندن مردان به آن کرده است.

در حکم صادره اشاره ای به چنین اتهامی در مورد عاطفه نشده است ولی اگر حتی فرض را بر صحت چنین ادعایی بگذاریم جرم متهم از جمله جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی شناخته میشود و مطابق ماده 639 قانون مجازات اسلامی به حبس تعزیری از یک تا ده سال محکوم میشود و یا مطابق ماده 138 همین قانون به مجازات حد در باب قوادی به 75 ضربه تازیانه محکوم میگردد.

چنانچه ملاحظه میشود، صدور و اجرای این حکم جمع اضرار قانونی است. گذشته از جنبه های انسانی و اجتماعی و عواقب سیاسی و بین المللی که اجرای این حکم برای ایران و ایرانیان به همراه داشت، زنگ خطری بود برای حقوقدانان و صاحب نظران در خصوص اثبات نارسایی و تضاد قوانین موجود و اختیار بی حد و حصر قضات در اعمال نظرات شخصی در امر صدور و اجرای احکام.

بحث پذیرش حکم اعدام در قوانین کیفری کشورها، مسئله ای است در حوزه مباحث حقوق بشر در ابعاد بین المللی.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی با پذیرش این اصل که همواره اعدام در برخی کشورهای دنیا از جمله مجازاتهای رسمی کیفری است، میگوید: "در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جایز نیست مگر در مورد مهمترین جنایات . . ." ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای ملحق به این میثاق موافق به پیروی از اصول آن است.

واژه "مهمترین جنایات" تعریف روشن و واضحی در حقوق بین المللی ندارد. آنچه مسلم است مجامع بین المللی با گنجاندن این ماده در این میثاق تلاش کرده اند، صدور و اجرای حکم اعدام را در کشورها به حداقل ممکن تقلیل دهند.

قوانین مدون ایران نیز تعریف خاصی از "مهمترین جنایات" ندارد.

به نظر میرسد طبقه بندی جرایم کیفری به مهم و مهمتر، تشخیصی است عرفی، اخلاقی، و اجتماعی که راه را جهت صدور احکام مختلف برای قضات باز میکند.

سؤال اصلی در این خصوص این است که آیا داشتن رابطه نامشروع (بنابه تعاریف قانونی ایران) یک دختر 16 یا 22 ساله چنان "جنایت" مهمی است که مجازات آن اعدام در ملاعام است؟ آیا سیستم های نظارتی در مراحل بازجویی، صدور، تأیید و اجرای حکم همگی به اتفاق بر درستی حکم، صحه گذارده اند؟

چرا ضعف ادله ی قانونی و نقص در جزییات پرونده، خللی در روند پیش روی دادرسی ایجاد نکرده است؟ آیا هیچ گاه متهم از حق داشتن وکیل در جلسات محاکمه و دفاع آگاه بوده است؟

و آیا اتفاق نظر مراجع قضایی از ابتدا تا انتهای پرونده و عدم توقف اجرای حکم اعدام با وجود نقص های موجود در پرونده دال بر ضعف های قانونی و یا ضعف سیستم های نظارتی حاکم بر مراحل صدور و اجرای حکم و یا هر دوی آنها نیست؟

آیا تضادهای موجود در حکم صادره دلیلی قانع کننده بر لزوم تجدیدنظر در قوانین مدنی و جزایی ایران نیست؟ آیا زمان آن نرسیده که ایران به تعهدات بین المللی خود در جهت رعایت حقوق بشر بر مبنای کنوانسیون ها و میثاق ها عمل کند؟

ایرانیان چند تجربه تلخ تاریخی دیگر را باید پشت سر گذارند تا نیاز اصلاح قوانین و تصویب قوانین جدید که پاسخگوی نیازهای روز بشر و جامعه ی بین المللی است مورد توجه مسئولان قرار گیرد؟ ایرانیان تا به کی باید در مقابل سازمانهای بین المللی و نهادهای حقوق بشر محکوم به عدم رعایت ضوابط و مقررات بین المللی بشردوستانه شوند؟

پرونده عاطفه رجبی با همه پیچیدگی ها و ابهاماتش تنها نمونه ای است از خروارها . . . موقعیت مشابه از سردرگمی های قانونی احکام ضد و نقیض صادره که حاصل ضعف های قانونی موجود و عدم حضور فعال نهادهای نظارتی کافی در سیستم قضایی ایران است.

+++++

برچیده از:

<http://www.shahrvand.com/Default.asp?Content=NW&CD=WM&NID=85#BN9>

16